

شیوه الگوزدایی در تربیت از نگاه قرآن

رضا مهدیان فر استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم ایران
rezamahtab52@yahoo.com

عنوان مقاله

نویسندگان

مقدمه

از نگاه نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است (نک: سیف، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). چرا که یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد و یادگیری‌های غیر مستقیم، ضمنی و یا مشاهده‌ای پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها به شمار می‌آیند و در این میان مهم‌ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است. یادگیری مشاهده‌ای همان سرمشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق به تقلید از رفتار آن می‌پردازد. در روش‌های تربیت از این یادگیری به «روش الگویی» یاد می‌شود. شیوه‌های اجرایی این روش در قالب الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی قابل اجراست. شاید در باور عمومی تربیت الگویی در دو شیوه نخست خلاصه می‌شود و شیوه سوم کمتر به ذهن می‌آید. شاید از همین رو بیشترین حجم پژوهش‌ها هم به همان دو شیوه اختصاص دارد. اما با بررسی آیات قرآن به شیوه سوم از این روش دست پیدا می‌کنیم که نباید در این روش تربیتی از آن غافل بود. الگوزدایی در آیات قرآن به گونه‌ای از این روش اشاره دارد که مری با بیان ویژگی‌ها، صفات، سرنوشت، عقوبت و ... شخصیت‌های منفی، نوعی دلزدگی و احساس نفرت در مرتبه‌ای ایجاد می‌کند تا ضمن دور ساختن مرتبه‌ای از آن الگوها، گرایش به الگوهای مثبت را نیز در وی زنده کند. اهمیت زیاد روش الگویی در تربیت و غفلت از شیوه الگوزدایی در این روش، ضرورت پژوهش را روشن می‌سازد.

استاد محمد رضا قائمی مقدم در ضمن مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی» به الگوزدایی به عنوان یکی از شیوه‌های اجرایی «روش الگویی» اشاره کرده‌اند. کوشش خانم محبوبه البرزی و همکاران در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های دین و زندگی مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های روش تربیت الگویی در اسلام» نشان می‌دهد در کتاب‌های «دین و زندگی» مقطع دبیرستان به این شیوه هم اشاره شده است. سایر پژوهش‌ها اشاره مستقیمی به این شیوه ندارند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا شیوه الگوزدایی را از نگاه آموزه‌های وحی به گونه‌ای مستقل مورد کاوش قرار دهد.

یافته‌ها و نتایج

شیوه الگوزدایی

در این شیوه هدف ایجاد نوعی دلزدگی و نگرش منفی در مرتبه‌ای نسبت به آن الگوها و شخصیت‌های منفی است. در چنین مواردی طبیعتاً پدیدآیی و نگرش مثبت نسبت به الگوهای متقابل امری عادی است. امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند: بدانید که هیچ‌گاه رستگاری را نخواهید شناخت مگر آن که واگذارنده آن را بشناسید؛ و هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر این که پیمان‌شکنان آن را بشناسید... و هیچ‌گاه گمراهی را نخواهید شناخت مگر آن که هدایت را بشناسید؛ و هرگز پرهیزگاری را نشناسید مگر آن که متجاوز (از مرز تقوا) را بشناسید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۹۰). در این سخن نورانی به قاعده‌ای اشاره شده است که بر اساس آن شناخت راه حق منوط به شناخت ضد آن دانسته شده است. همین قاعده در تأسی به الگوها به شیوه الگوزدایی نیز قابل تعمیم است. قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ش ۶۹). این شیوه از تربیت الگویی، به دو صورت قابل اجراست: صورت نخست به شکل عام بدون اشاره مستقیم و صریح به شیوه تربیت الگویی بیان شده است. در این صورت، صفات، ویژگی‌ها، سرانجام، سرنوشت و نشانه‌های الگوهای منفی بیان شده است، و از این رهگذر سعی در دور ساختن الگوپذیر از الگوهای منفی و گرایش به الگوهای مثبت دارد. آیاتی که به بیان ویژگی‌ها، فرجام و اطاعت‌ناپذیری از ظالمان، متجاوزان، کافران، منافقان، مسرفان و گناهکاران اشاره دارد در همین راستا تفسیرپذیر است. برای نمونه آیاتی که به نهي از اطاعت از مسرفان اشاره می‌کند: شعراء/ ۱۵۰-۱۵۲. در آیه ۱۵۲ با بیان ویژگی‌های مسرفان به علت نهي از اطاعت از آنان اشاره می‌کند؛ زیرا آنان در روی زمین فسادگری می‌کنند و اهل اصلاح نیستند. با این ویژگی هیچ ابی‌بنی از عذاب الهی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۳۰۶). همچنین خدای سبحان ضمن نهي از تجاوزگری به نتیجه این عمل نیز اشاره می‌کند (بقره/ ۱۹۰). محرومیت از محبت الهی نتیجه تجاوز از حق درباره دشمنان است. در این آیه شریفه برای دور نگه داشتن مرتبه‌ای از رفتار متجاوزانه به سزای آن رفتار که از دست دادن محبت پروردگار است اشاره می‌کند و از این رهگذر ضمن ایجاد نفرت نسبت به تجاوزگری و متجاوزان میل به دادگری و الگوهای عادل را در وی ایجاد می‌کند. آیاتی از این قبیل که به هدایت‌ناافتگی ظالمان (توبه/ ۱۹) و فرجام تکذیب‌کنندگان (انعام/ ۱۱) اشاره می‌کند. صورت دوم: در این صورت با بیان صریح به الگو و مثل بودن اشاره کرده و به الگوزدایی می‌پردازد. قرآن کریم در بعضی آیات با چنین تریسمی از الگوهای منفی در صدد الگوزدایی بوده است، از جمله در آیات سوره تحریم به دو مورد از الگوهای منفی اشاره کرده است که به توصیف و تحلیل فرایند الگوزدایی قرآن در این آیات می‌پردازیم.

«ضرب الله مثلا لذین کفروا افرأة نوح و افرأة لوط کانتا تحت عذبن من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنینا عنهما من الله شیئا و قیل ادخلا النار مع الذالین» (تحریم/ ۱۰)؛ در معنای «مثل» گفته شده است: هو مساواة شیء بشیء فی الصفات الممتازة المنظورة، و هذا مشابهة تامة. والمثل: صفة مشبهة کخسن بمعنى ما یضف بالمثلثة و ینبت فیه هذا العنوان، کالمثل علی وزان شریف. (مصطفوی، بی‌تا، ذیل واژه)؛ ریشه اصلی در «مثل» همسانی چیزی با چیزی در صفات برجسته‌ای است که مقصود در همسانی هستند و این مشابهت یک مشابهت تام و تمامی است. و «مثل» صفت مشبیه است، به معنای آنچه که متصف به همانندی شده و این عنوان در او ثابت است. بنابراین این مثل در لغت به معنای الگوست که مرتبه‌ای سعی در الگوپذیری از شخصیت الگو و «مثل» دارد.

این آیات کریمه (آیه فوق و آیات بعد از آن) متضمن دو تا مثل است، که خداوند حال کفار و مؤمنان را مجسم می‌کند. مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت روشن نموده بیان می‌کند که اگر چنین شدند به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و رابطه آنان [رابطه همسر] با انبیای بزرگوار سودی به حال آنان [در رهایی از عذاب] نبخشید.

و مثل دوم بیانگر این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنین هم تنها به خاطر ایمان خالصشان به خدا و رسول و خشوع و حسن طاعتشان بود و رابطه خویشاوندی (رابطه همسری) آنان با دشمنان خدا ضرری به حالشان نداشت زیرا ملاکی کرامت در نزد خدا تنها تقوی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۴۲).

در واقع، این آیه شریفه توبیخ هشدار دهنده‌ای است به دو نفر از همسران پیامبر اسلام، که علیه پیامبر (ص) توطئه کرده بودند و نیز به هر کس که پیوند نسبی یا سببی یا هر رابطه دیگری با اولیای خدا داشته باشد که مادامی که تقوی نداشته باشند این روابط سودی به حالشان نخواهد داشت (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۸، ص ۴۴۸).

بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب گذشته چنین بدست می‌آید که الگوزدایی به عنوان یکی از شیوه‌های تربیت الگویی مورد توجه قرآن کریم بوده است. این شیوه در قرآن کریم به دو صورت مورد توجه واقع شده است. در صورت نخست با بیان ویژگی‌ها و سرانجام کار ظالمان، تبهکاران، مفسدان و گناهکاران به ایجاد نگرش منفی و نفرت از آنان پرداخته است که گرایش به الگوهای مقابل آنان از نتایج غیر مستقیم این الگوزدایی است. و در صورت دوم با بیان صریح و نهي مستقیم به الگوزدایی پرداخته است. چنانکه در سوره تحریم، خداوند در پی توطئه‌چینی دو نفر از همسران پیامبر (ص) با ترسیم دو نمونه از الگوهای منفی که در اثر خیانت به پیامبران خدا دچار عذاب الهی شدند و رابطه آنان با این پیامبران سودی به حال آنان در رهایی از عذاب نبخشید، همسران پیامبر (ص) و مسلمانان را از عواقب شوم چنین رفتارهایی پرهیز می‌دهد و آنان را دعوت به تحصیل تقوا می‌کند.

روش

در این پژوهش با مراجعه به منابع تربیتی شیوه‌های گوناگون تربیتی را استخراج کرده و سپس همان شیوه‌ها را از نگاه قرآن مورد بررسی قرار داده و شیوه الگوزدایی را به طور خاص مورد توجه قرار داده ایم. ابتدا آیات دلالت‌کننده بر مقصود را شناسایی و سپس با مراجعه به منابع تفسیری و کتب تخصصی به تبیین دیدگاه قرآن پرداخته ایم.

شیوه‌های مختلف تربیت الگویی

تربیت الگویی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی می‌تواند به صورت‌های گوناگون مانند: الگودهی، الگوپردازی، و الگوزدایی صورت پذیرد. به منظور روشن شدن مقصود پژوهش به اختصار به توضیح هر یک از این شیوه‌ها پرداخته و در ادامه به تبیین الگوزدایی از دیدگاه قرآن خواهیم پرداخت.

الگودهی

مقصود از الگودهی ارائه الگوهای مثبت و حقیقی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است که این، خود می‌تواند به دو صورت ارائه شود:

الف: ارائه الگو از دیگران: در این شیوه مری سعی می‌کند افرادی را که جنبه الگویی دارند به مرتب‌ترین معرفی نماید.

ب: ارائه الگو از خویش: در این شیوه، مری رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خود منعکس می‌کند.

الگوپردازی

مقصود از این شیوه ارائه الگوهای تخیلی و فرضی است. در این شیوه مرتبه‌ای الگوهای مطلوبی را در نظر گرفته، به بیان و توصیف ویژگی‌های آن می‌پردازد و زمینه را طوری فراهم می‌کند که مرتبه‌ای را به تخیل و تجسم یک الگو، یا صحنه و واقعه‌ای بکشاند. مرتبه‌ای گاهی با بیان داستان‌ها و افسانه‌های خیالی بر این امر فایز می‌آید و زمانی با بیان خصوصیات، علامات و نشانه‌ها به این مهم دست می‌یابد.

الگوزدایی

شیوه دیگر استفاده از الگو در تربیت، الگوزدایی است؛ به این معنا که الگوها و شخصیت‌های منفی چنان ترسیم می‌شوند که نوعی دلزدگی و نگرش منفی در مرتبه‌ای، نسبت به آن الگوها پدید می‌آید (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ش ۶۹).

قرآن کریم، بر همین اساس در تربیت الگویی خود از هر سه شیوه استفاده کرده است که تبیین شیوه الگوزدایی مقصود پژوهش حاضر است.

منابع

ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ العربی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

رضائی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر، دمشق: دارالفکر.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۰)، روان شناسی پرورشی، تهران: انتشارات آگاه.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان، قم: فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان، بیروت: اعلمی.

طیب، عبد الحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان، تهران: اسلام.

قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲)، روش الگویی تربیت در اسلام، معرفت، ش ۶۹، از ص ۲۵.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، به کوشش: غفاری و آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت ارشاد.

مهتاب (مهدیان‌فر)، رضا (۱۳۸۴)، روش الگویی تربیت از نگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

